

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

طبع جوان

در هر زبان فتاده کنون داستان من
جمعی گشند در میک آزمایشم
پرسد کسی ز زادگه و اصل و نسل من
بر آن گمان که رشته ز دستم گسسته است
تیری رها شدست ز شستم به حرف حق
این اشتر سپید که خوابد به هر دری
صد همچو من گرانی این بار می کشد
غافل که از بهار ز کف رفته تا هنوز
بر می خورم هنوز ز کیف بهار عمر
ریزد به جام و ساغر من باده نشاط
موی سپید نیست دلیل شکستگی
سنگین و استوار، به پا ایستاده ام
از بس شکر ز طرز کلامم همی چکد
هر کس حکایتی بکند از زبان من
جمعی کند به باده نواب امتحان من
جمعی ز قامت و قد و نام و نشان من
بر آن هوا که رفته ز چنگم عنان من
مردم گمان برند به ضعف کمان من
تنها نمانده سر به سر آستان من
اما بلند گشته صدا و فغان من
باشد "ذخیره های جنون" در نهان من
رنگین تر از بهار درخشد خزان من
این مهربان زمین من و آسمان من
روشن بود "ز مستی طبع جوان" من
این چرخ نابکار ندارد توان من
گیرند بوسه سیمبران از دهان من

این بیت را که شاعری زیبا سروده است گویا حقیقتی ست "اسیر" از زبان من

«در پیری از هزار جوان زنده دل ترم»

«صد نوبهار رشک برَد بر خزان من»

(فرنکفورت - جنوری 2003 م)